زن شرور دو بار زندگی می‌کند

مترجم :
F_S_S12
Umaru_chan

کاری از تیم :
Flaxen Guys

ویراستار :
Lilac

کلینر :
Castlan_A

تایپیست :
Castlan_A

@Flaxen_Guys

@Flaxen_Guyss

@Flaxen_Guys

The Villainess Lives Twice

PEACHBERRY چوبی | PARK JANGOO, KIM DALHAE بنگ اسپرزی
HAN MINT نویسنده:

چطوره ما
به هم متصل بشیم
و سرزمین مرکزی امپراتوری
رو به دو قسمت تقسیم
کنیم؟
من تو جنوب
و گرند دوک اورین تو
شمال، هر دو همزمان
فشار بیاریم.

سرورم کاردیل.
اگه شما
و گرند دوک اورین
فقط به‌خاطر قدرتِ
دست به دست هم
می‌دادین،
به نتیجه‌ی
بهتری می‌رسیدید.

اورین به
جای تبدیل شدن
به بالاترین پرنسس
امپراتوری،
این بار
می‌تونه با خونخواهی
کنار گرند دوک اورین
زندگی کنه.

نکته به‌جای
انجام دادن این کار
برای گرند دوک اورین
و فدریسه...
به‌خاطر
احساسات شخصی
باهاش ازدواج
کردی؟

این...
توطئه

تا وقتی
که گرند دوک
اورین توی قلبت
باشه.
انجام
دادنش چیز عجیبی
نیست.
منظورتون
چیه...

فکر کردی
من نمی‌دونم؟
کشیدن
آها

... من هیچ
وقت همچین کاری
نمی‌کنم.

خب، خوبه.
واسود می‌کنم چیزی نمی‌دونم.
در هر صورت اونقدر دوستت دارم که همه چیز رو فراموش کنم.
بیا با هم باشیم.

بمن بزن

... رد می‌کنم.

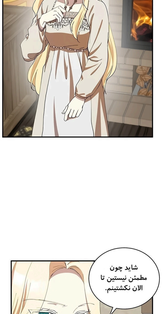
درسته زن شروری هستم.
ولی اونقدر بی‌شعور نیستم که موضعم رو دو بار تغییر بدم

پس، باید همین جا بکشمت.
لذت زنده نگه کردنت مقابل کردم دوک تورین و فدریسه و انداختن مقابلت تو دریا باید خاص باشه.

مطمئنین می‌خواین منو بکشین؟

شاید چون مطمئن نیستین تا الان نکشتینم.

آره.. درسته
هدفم این نیست که بکشمت.
اما به شرط اینکه طرف من باشی.

اگر مجبور بودم شما رو دنبال کنم و نقشه بریزم،

باور می‌کردین؟

بطسَنم سخت میشه

همین وجود خاطرات.

از قبل نقشه‌تون رو شکست داده سرورم.

هیچ راهی وجود نداره که من دنباله روی شما باشم.

اگرچه.

هَل؟

من بهتون یه نقشه میدم.

قبلا با هم خوب کنار میومدیم، مگه نه؟

این بار هم می‌تونیم متحدای خوبی برای هم باشیم.

و اگر پشت بهم خنجر بزنی؟

عیبه

متاسفم مارشیتس روزالف.

شما این دفعه من هیچ علاقه‌ای برای شرکت در جنگ ملکشیتس امپراتوری کرانزین ندارم.

ملکه‌ی ایمیل...

من اینجوری رو قبل از تمدی سگی میکشم

اینطور مشکلی برات پیش نمیاد.

و این کار رو به اسم امپراتوری کرانز تموم می‌کنم.

واضحه‌ت نافارکی
نافارکی سلتشی اینجا
قباب پیچیده یه.

پدر کاترینا...
پادشاه اینهاس...

و مادر کاترینا، ملکه‌ی سابق، زیبایی فوق‌العاده‌ای داشت.

بنابراین تو مو، ملکه‌ی پادشاه هور بلاس به نژادِ اولین پدرش، کاترینا داشت.

پادشاه با مردن ملکه‌ی سابق، دوباره با ملکه‌ی نوظهور ازدواج کرد.

پادشاه دومین پدرش، پسر ملکه بزرگ‌تر را دوست نداشت.

و از کاترینا که شبیه ملکه‌ی سابق بود، تنفر داشت.

بزرگ که شد به خلاف پدرش، اینهاس به رسمیت شناختش.

پدرش کاترینا داشت فرت و فالش را بدبخت میاورد.

و به پای پسر با ارث پادشاهی

به عنوان راهب سرنوشت برنده می‌باشد

کاترینا پدری در به فکر که قدرت پادشاه را نداشته تو.

پس وقتی مواجه کاترینا با پدرش شدم و به گونه عهد پدر سخنرانی، آماده شد.

پادشاه بعد خیر برنگی قبلی کرد با ما همکاری کند.

بعد توقعی از طرف پدرش در تمام طول زندگیش.

داشتن مشکل با مادر داشتن اگاهش.

پدرش کاترینا و به مقام یک نفر با پایان زندگیش بدهد کند.

تا چهار دیگه
دوک لیگان به قلعه کمک کرد
چند تا کشور به امپراتور
گسترده بود.
میروستم
توسط پدرش پولس
قیاس می‌کنم
ـــــــــ
ـــــــــ
ـــــــــ

گیج کننده‌ای
نتونه پیروز اینکه مقصر
شناخته بشه از شرشون
قاص شد.
ببخشید امرمنوه
که بپرسم.

تو قراره
ملکه رو بکشی؟
بعضی‌ها می‌گن

به شمشیر
زن تو دوکتم لیگان
گذاشتم.
من دوک لیگان
رو به عنوان قاتل ملکه
معرفی می‌کنم.
همون طور
که می‌دونید سیروم
ملکه به طور مخفیانه با
دوک لیگان همکاری
می‌کنه.

یعنی تو نقشه
داری تا رابطه‌ی بین اون
دو تا رو خراب کنی و اگه‌ی اعلی
تا دوک لیگان ملکه رو
بکشه، اوم.
بله.

ما رابطه‌ی بین
دوک لیگان و ملکه
رو نمی‌دونیم...
این دلیل
خوبی برای انجام عملیات
نظامیه.

بفرمو
تو خودم تو دفتر، کلیم تو
خزانه همین کاری
کنم؟

مطمئنم که
توی پایتخت دربدردم
شدیدین.
و همین‌طور
می‌دونستین من نه‌بعدی
امپراتورمی شدم.

تخریب کردن دوکدوم لیگان.
چیزیه که امپراتریس می‌خواد.

پس می‌خوای از این برای جنگ داخلی استفاده کنی.
نه دوک لیگان طمعی‌ی کوچیکی نیست.

و دوک لیگان زندان افتاد.

باید تجزیه شک در دیدن چوب به بخش قائم مقام امپراتوری صفویه.

این پول تو از راه اختیار شک به دست خواید.
ـ خیلیهایم این بزرگترین مبلغ برآمد امپراتوریه.

اگه درگیرش بشین رقابت به پیلو به زانلته.

بدترین سناریو اینه که بفر توی شورش امپراتوری درگیر بشه.
حتی اگه اینطور نشه مشخص میشه که ملکه اشتباه شک رو دستگاری کرده

در هر دو صورت نمی‌تونن ضربه بخورن.
خود- و هیچ ناهی وجود نداره امپراتور گر گور زنده بمیرن.

شما نمی‌تونید تو امپر داخلی کشورهای دیگه دخالت کنید.
ولی سرورم پادشاه اجبال باید خودشون رو صادق جلوه بدن.

سرورم، من این کار رو برای شما انجام نمی‌دم.
و اینکه فقط زمانی می‌تونم اعتمادش بدم که داخل امپراتوری باشم

تنها کاری که شما باید انجام بدین اینه که.
برای زمان مناسب حمله صبر کنید و برای اطمینان خاطر بهونه خوبی سر هم کنید.

تا زمانی که ما این بحث رو به بن بست نکشیم
کسی نمیتونه شک نمی‌کنه.

بانوی من، فکر کنم یه چیز رو جا انداختی.
چی؟

حتی اگه تئودور به عنوان همکار داشته باشست.
کاهش
به این معنی نیست که تئودور به عنوان یه زن داشته باشست.

اطلاعات
تو باهوشی.

وقتی که تو بدنیا بیاری احتمالا خصوصیات خوبی خواهد داشت.

پس،
پیشنهاد من رو قبول می‌کنی یا نه؟

حتی یه‌کم هم قیافت رو عوض نکردی.

دوست دارم نقش خودم بکنم

هدف تو اینه که گردنه دوک اورون تاج و تخت امپراطوری رو به دست بگیره، درسته؟
بعد این که به هدفت رسیدی چی می‌شه؟؟

اگه گردنه دوکه فقط از بین بره.
بلاخره
بعد از این که کارت تموم شد قرارم نیست بهش بچسبی، درسته؟

آره ولی...

بعد از این‌که کارت تموم شد بیا پیش من.
نوازش
آب و هوای دریای جنوب باید برای بانو خوب باشه.

لازم نیست انقدر خودتونو به زحمت بندازی و مراقب من باشین.
در ضمن شما به هر حال کاملاً به من اعتماد ندارین...

اینا رو میگی چون واقعاً نمی‌فهمی؟

یا تظاهر می‌کنی نمی‌فهمی؟
چی؟

دیوونگیه.
مگه بابت رفته ازت خواستم باهام ازدواج کنی؟
هول‌هولی
نه. مگه... مگه این برای اتحاد نبود؟

پس واقعاً نمی‌فهمی. این اولین باریه که خودمو انقدر کوچیک کردم.
وقتی اونو گفتم جدی بودم.

سرورم کادریل، احیاناً شما فیتیش زنایی رو دارید که گردنتونو با تیر زدن؟
لیس

خب، فکر کنم سلیقه‌ی عجیبی دارم.

ولی کاریش نمی‌تونم بکنم. می‌تونم؟ به هر حال من که می‌دونم چه کثیفی درون تونه.
نوازش
...

خوب بهش فکر کن مارشیس رزان.

می‌خوام تا وقتی آماده‌کیشو به دست بیاری صبر کنم.

فرماندار!

زوووو

زوووووو